

Triangulation in Family Systems Theory and Its Critique Based on Islamic Thought with Reference to the Content of the Arbitration Verse (Āyah of Hakamiyat)

✉ **Mohammad Mohsen Hasankhah**  / PhD Student in Quran and Psychology, Al-Mustafa International University. hkh730@gmail.com

Mohammad Javad Ramezanipour / PhD Student in Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute. mj.ramezanipoor@gmail.com

Mohammad Reza Najafi / Master's degree in Psychology, Founder of the Institute of Ethics and Education. m.r.najafi137010@gmail.com

Received: 2023/08/23 - **Accepted:** 2023/12/11

Abstract

This study was conducted to evaluate triangulation in the family systems theory based on Islamic thought, with regard to the contents of the verse of Hakamiyat (arbitration). The method of this research was descriptive–analytical. The information was gathered through library research and documentary study, using primary sources; it was then critiqued and evaluated based on Islamic thought.

The findings showed that family systems theory holds that the vulnerability of the dyadic relationship to anxiety—whether external or internal—is high, and that the smallest form of stable communication consists of three relational “sides.” Therefore, it recommends a therapeutic approach in which counselors, as the third relational component, seek to increase differentiation within the family for greater rationality in highly stressful conditions. The study also found that, based on the verse of Hakamiyyat, in order to resolve family disputes, seeking help from a third relational party can be considered a religious guideline. In other words, the verse of Hakamiyyat accepts the establishment of a communication triangle involving knowledgeable and expert individuals as arbitrators and therapists to resolve family disagreements.

Keywords: triangulation, family systems theory, family therapy, the verse of Hakamiyat, Islamic thought.

مثلت‌سازی در نظریه سیستم‌های خانواده و نقد آن بر اساس اندیشه اسلامی با توجه به مفاد آیه حکمیت

hkh730@gmail.com

mj.ramezanipoor@gmail.com

m.r.najafi137010@gmail.com

محمد محسن حسن خواه  / دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی جامعه المصطفی العالمیه

محمد جواد رمضان‌پور / دانشجوی دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

محمد رضا نجفی / کارشناسی ارشد روان‌شناسی مؤسسه اخلاق و تربیت

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی مثلت‌سازی در نظریه سیستم‌های خانواده بر اساس اندیشه اسلامی با توجه به مفاد آیه حکمیت انجام شد. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی بود. اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای، مطالعه اسنادی و با مراجعه به منابع دست اول شکل گرفت؛ سپس به نقد و ارزیابی آن بر اساس اندیشه اسلامی پرداخته شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که نظریه سیستم‌های خانواده معتقد است، آسیب‌پذیری رابطه دوتایی در برابر اضطراب - بیرونی یا داخلی - زیاد است و کوچک‌ترین شکل ارتباط پایدار متشکل از سه ضلع ارتباطی می‌باشد. بنابراین روش درمانی‌ای را توصیه می‌کند که در آن مشاوران در جایگاه ضلع سوم ارتباطی به دنبال افزایش تمایز یافتگی در خانواده برای عقل‌ورزی بیشتر در شرایط پرتنش هستند؛ همچنین یافته‌های تحقیق نشان داد که بر اساس آیه حکمیت می‌توان گفت به‌منظور رفع اختلافات خانواده کمک گرفتن از طرف سوم ارتباطی، می‌تواند دستورالعمل دینی باشد و به عبارتی آیه حکمیت، ایجاد مثلث ارتباطی با اشخاص خبره و عالم در جایگاه حکم و درمانگر برای رفع اختلافات خانوادگی را مورد پذیرش قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: مثلت‌سازی، نظریه سیستم‌های خانواده، خانواده‌درمانی، آیه حکمیت، اندیشه اسلامی.

مقدمه

یکی از مفاهیم متداول در بحث روش‌های خانواده‌درمانگری، «مثلت‌های ارتباطی» است. خاستگاه این واژه و مفهوم‌شناسی آن از منظر اندیشه اسلامی یکی از مسائل ضروری در بومی‌سازی روش‌های خانواده‌درمانی سیستمی است. در تبیین و بررسی مفهوم کلی «مثلت‌سازی» ده‌ها کتاب و مقاله به رشته تحریر درآمده است؛ همچون کتاب *مثلت و مثلث‌سازی در خانواده (الفبای درمان)*، نوشته فیلیپ گِرن و دیگران که توسط فرشاد بهاری (۱۳۹۰) ترجمه شده است. مقاله «نقش مثلث‌سازی با فرزند و اطرافیان در سازگاری زناشویی»، نوشته خاکپور و دیگران (۱۴۰۱)، در آثار تطبیقی نیز می‌توان به پایان‌نامه سالاری فر (۱۳۷۹) اشاره نمود، که به مقایسه نظریه خانواده‌درمانی مینوچین با دیدگاه اسلام در باب خانواده پرداخته است؛ همچنین در بخشی از مقاله «الگوی نظری مداخله انعطاف - نفوذناپذیری در خانواده‌درمانگری سیستمی معنوی برای مدیریت مرزهای خانواده بر اساس حدیث العزیزه»، نوشته پسندیده و دیگران (۱۳۹۷)؛ همچنین در بخشی از پایان‌نامه حسن‌خواه (۱۴۰۰) با عنوان «مفاهیم اساسی در مدل خانواده‌درمانی بوئن و نقد و بررسی آن از منظر اندیشه اسلامی» به بحث مثلث‌سازی پرداخته شده، لکن هیچ اثر مستقلى برای ارزیابی این مفهوم پرکاربرد در زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی و چگونگی شکل‌گیری آن در نظریه سیستم‌های خانواده به‌عنوان خاستگاه اولیه این مفهوم یافت نشد. از این جهت تحلیل و ارزیابی این روش مؤثر در مشاوره، از منظر اندیشه اسلامی ضرورت دارد. تحقیق حاضر با هدف ارزیابی «مثلث‌سازی در نظریه سیستم‌های خانواده و نقد آن از منظر اندیشه اسلامی با توجه به مفاد آیه حکمیت» به رشته تحریر درآمده است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس تحلیل محتوای کیفی منابع دست اول و نقد و بررسی آنها بر اساس منابع جامع دینی اعم از قرآن و احادیث و کتب اندیشمندان مسلمان، مطالب گردآوری و تدوین گردیده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق در دو قسمت «توصیف نظریه سیستم‌های خانواده مثلث‌سازی» و «ارزیابی مثلث‌سازی از منظر اندیشه اسلامی» تدوین و تنظیم شد.

نظریه سیستم‌های خانواده مثلث‌سازی

«نظریه سیستم‌های خانواده» که در محافل علمی با نام «Theory Systems Family» یا به اختصار «FST» شناخته می‌شود، توسط لوسیوس موری بوئن (۱۹۱۳-۱۹۹۰م) تدوین و معرفی گردید. او استاد روان‌پزشکی دانشگاه جورج تاون و اولین رئیس انجمن خانواده‌درمانی امریکا و یکی از پیشگامان خانواده و زوج‌درمانی می‌باشد. «نظریه نظام‌های خانواده» که یکی از مهم‌ترین روش‌های خانواده‌درمانی است، از هشت مفهوم اصلی تشکیل

می‌شود. این مفاهیم در عین حال که مفاهیمی به هم پیوسته هستند، هریک در جای خود به طور مجزا ابعاد شخصیتی افراد و ناسازگاری‌های روانی را توضیح می‌دهند. این مفاهیم هشت گانه عبارت‌اند از:

- تمایز یافتگی یا تمایز خود (Differentiation of self):

- مثلث‌ها (Triangles):

- فرایند عاطفی خانواده هسته‌ای (Nuclear family emotional processes):

- فرایند فرافکنی خانواده (Family projection process):

- فرایند انتقال چندنسلی (Multigenerational transmission process):

- جایگاه همسیرها (Sibling position):

- برش عاطفی یا گسست عاطفی (Emotional cutoff):

- فرایند عاطفی اجتماعی (Emotional cutoff) (Bowen & Kerr, 1988, p. 13).

«مثلث‌سازی ارتباطی» یکی از مفاهیم اساسی نظریه بوئن است که فارغ از جایگاه آن در بین مفاهیم هشت‌گانه نظریه سیستم‌های خانواده، به خودی خود دارای استقلال معنایی و کارکردهای مستقل در روان‌شناسی خانواده و نظری‌های دیگر می‌باشد. بر این اساس خانواده درمانگران به دو گروه تقسیم می‌شوند: کسانی که اساس روابط بین فردی را دوتایی می‌دانند، و آنهایی که رابطه را اساساً سه‌تایی برمی‌شمارند. بوئن معتقد است سیستم دونفره از اساس ناپایدار است. آسیب‌پذیری رابطه دوتایی نسبت به اضطراب - بیرونی یا داخلی - بسیار بالا است و کوچک‌ترین شکل ارتباط پایدار در خانواده رابطه سه‌ضلعی می‌باشد (Bowen & Kerr, 1988, p. 87).

برخی از محققان بر این باورند که بنای نظام خانواده بر اساس آجرهای مثلثی است و روابط بین فردی اعضای خانواده را سازه‌های مثلثی شکل می‌دهند (نیکولز و شوارتز، ۲۰۰۴)؛ مثلاً جی هیلی اساس را سه‌تایی می‌داند و حتی معتقد است که رابطه زوجی سالم بین یک زن و شوهر از لحاظ نادیده گرفتن فرد سوم باز هم یک سه‌تایی یا مثلث را تشکیل می‌دهد و حتی دیدگاه او به زوج‌درمانی بر اساس شکل‌گیری مثلث درمانگر، زن و شوهر است. به اعتقاد ویرجینیا ستیر، خانواده‌درمانگری و مددکاری اجتماعی بر اساس اضلاع سه‌گانه بنا شده است و هیچ‌چیز در عالم بر اساس دو پایه نمی‌ایستد و حداقل به وجود سه پایه نیاز دارد (هی لی، ۱۳۸۴)؛ به عنوان مثال فرض کنید با یکی از دوستان خود روی نیمکت پارک نشسته‌اید و در حال گفت‌وگو هستید، ناگهان یکی از دوستان مشترک خود را می‌بینید

که به سمت شما می‌آید، ورود این شخص سوم، بسته به نوع روابط شما با نفر سوم، فرایند گفت‌وگو را تغییر می‌دهد؛ یا از او استقبال می‌کنید و با همان محتوا به ادامه گفت‌وگو می‌پردازید، یا از او می‌خواهید که راجع به اختلاف‌نظر احتمالی شما اظهارنظر کند، یا موضوع بحث را عوض می‌کنید تا او در جریان محتوای گفت‌وگوی شما قرار نگیرد و یا اینکه سکوت می‌کنید و برای طرد او تمام تلاش خود را به کار می‌گیرید تا نفر سوم از رابطه دوتایی شما خارج شود. با توجه به مثال ذکرشده از نظر بوئن وقتی دو نفر از اعضای خانواده با هم مشکل دارند، برای کاهش اضطراب یا تنش، پای نفر سومی را به میان می‌کشند که به این فرایند «مثلت‌سازی» یا «Triangulation» گفته می‌شود؛ زیرا روابط مثلثی ظرفیت بیشتری برای تحمل اضطراب ایجاد می‌کند و افراد امکان تغییر فشار اضطرابی خود در درون رابطه سه‌نفره را دارند (Bowen, 1978, p. 402). شناخت انواع مثلث‌ها از مهم‌ترین فعالیت‌های خانواده درمانگران سیستمی است. یکی از مهم‌ترین اشکال این رابطه مثلثی وقتی است که یک زاویه مثلث به روابط خارج از نظام درونی خانواده مربوط باشد (پسندیده، جان‌بزرگی و آذربایجانی، ۱۳۹۷).

پیشینه مثلث‌سازی در خانواده‌درمانی

برخی معتقدند که اشاره به ساختارهای سه‌وجهی در روان‌انسان، به «مثلث فرویدی» و تعمیم آن به روابط بین‌فردی باز می‌گردد. البته با نگاهی دقیق‌تر، تفاوت جدی میان ساختار فرویدی و مثلث‌سازی ارتباطی در خانواده‌درمانی دیده می‌شود (نیکولز و شوارتز، ۲۰۰۴)؛ برخی نیز اعتقاد دارند ارتباط این مفهوم به اعتقادات کلیسا و تثلیث مسیحیت هستند، که روشن است نمی‌توان سختی بین آنچه در این موضوع مطرح می‌شود و تثلیث یافت - بوئن اصالتاً مسیحی نیست - همچنین منظور از مثلث ارتباطی، حصر ارتباط در عدد سه نیست و درواقع تعمیم ارتباطات انسانی از دو طرف به ابعاد بیشتر است و گاهی ممکن است این اضلاع ارتباطی خیلی بیشتر از سه طرف باشد و اساساً ممکن است طرف سوم انسان نباشد و شغل و تفریحات و هر چیز دیگری در جایگاه و طرف سوم ارتباطی برای فرافکنی فشار روانی دستاویز قرار گیرد.

از این جهت می‌توان با قاطعیت گفت: «مثلث ارتباطی» در خانواده‌درمانی اولین بار در نظریه سیستم‌های خانواده بوئن مطرح گردید و به‌عنوان یکی از هشت مفهوم اساسی این نظریه معرفی شد؛ سپس واژه مثلث‌سازی در تعداد زیادی از نظریه‌های خانواده و زوج‌درمانی استفاده گردید؛ به‌عنوان مثال مینوچین در روش ساخت‌نگر خود از مفهوم «مثلث صلب» استفاده کرد (Minuchin, 1974). جی هیلی از مفهوم «مثلث منحرف» در نظریه خود بهره جست (هی لی، ۱۳۸۳)؛ همچنین ستیر در روش درمانی خود از روابط مثلثی در خانواده سخن به میان آورده است (Satir, 1983). چه بسا بتوان «مثلث دراماتیک» کارپن را دریچه‌ای نوین در استفاده از این مفهوم معرفی نمود (Karpman, 2014). با توجه به کش‌وقوس‌های مفهومی فراوان در استفاده از مفهوم «مثلث‌های ارتباطی» در نظریه‌های مختلف، این پژوهش درصدد بررسی و ارزیابی آن در خاستگاه اولیه شکل‌گیری، یعنی «نظریه نظام‌های

خانواده بوئن» می‌باشد.

پیدایش ایده مثلث‌های ارتباطی در نظریه سیستم‌های خانواده

بوئن در دهه ۵۰ میلادی پروژه مطالعه کودکان اسکیزوفرنی در مؤسسه ملی بهداشت روان (National Health Mental of Institute) را کلید زد. او و همفکرانش بر خلاف تصور رایج آن دوران مبتنی بر «علیت خطی» (causality Linear)، در بروز اختلالات فردی؛ عامل شدت بیماری و بروز مشکلات فردی را خانواده می‌دانستند و نوعی «علیت حلقوی» (causality Circular) را در بروز اختلال مشاهده می‌نمودند.

تصور رایج در آن دوره بر این بود که مشکلات خانواده عمدتاً از جانب کودکان اسکیزوفرنی است، اما بوئن به این نتیجه رسید حتی حالات پدرانی که کمترین درگیری عاطفی با خانواده را دارند هم می‌تواند تأثیر بسزایی در ثبات و عدم ثبات شبکه ارتباطی خانواده داشته باشد. او دریافت که پدرانی که به شدت به اضطراب مادر خانواده واکنش نشان می‌دهند، هنگامی که با ناراحتی همسرشان مواجه می‌شوند، رفتارهای واکنشی قوی نشان می‌دهند؛ مثلاً ممکن است همراه با همسرشان نگرانی خود را نسبت به فرزند اسکیزوفرنی خود بروز دهند، یا از وی انتقاد کنند؛ حتی ممکن است برای گریز از تنش بیشتر از بافت احساسی خانواده فاصله بگیرند و این رفتارها به صورت مستقیم بر نوع کنش‌های مادر و کودک اثر می‌گذارد. درواقع اولین جرقه‌های بررسی یک رابطه سه‌تایی در همین زمان به ذهن بوئن خطور نمود و بعدها از واژه مثلث استفاده کرد. بوئن می‌نویسد:

من کار روی این مفهوم اساسی را در سال ۱۹۵۵ شروع کردم. تا اواخر سال ۱۹۵۶ گروه تحقیقاتی درباره سه‌تایی‌ها فکر می‌کردند و حرف می‌زدند. وقتی این مفهوم به تدریج تکامل یافت، خیلی بیشتر از معنای اصطلاح متعارف سه‌تایی را دربر گرفت و بنابراین ما در تبادل نظر با کسانی که می‌پنداشتند که معنای سه‌تایی را می‌دانند، مشکل پیدا کردیم و من مثلث را برای بیان این مفهوم انتخاب کردم (Bowen, 1978, p. 62).

هدف و دلیل مثلث‌سازی

بوئن عقیده داشت، مثلث‌سازی‌ها بسیار کنش‌گرانه‌تر از آنچه تصور می‌شود، عمل می‌کنند و درواقع هرگاه تنش در دوتایی وجود دارد، نیروهای عاطفی و هیجانی رفته‌رفته به شیوه‌ای عمل می‌کنند که رابطه توسط یک ضلع سوم تثبیت شود (خوش‌لحجه، ۱۳۹۷). در سیستم درمانی بوئن هدف اصلی درمانگر افزایش سطح تمایز یافتگی است. این دیدگاه تمایز یافتگی به معنای تسلط هرچه بیشتر سیستم عقلانی بر سیستم هیجانی و احساسی است. بنابراین وقتی صحبت از مثلث‌سازی در نظریه سیستم‌ها می‌شود به این معناست که طرفین ارتباط به دنبال مدیریت هیجانات و تنش‌های بین خود هستند و در این راه به ضلع سوم متوسل می‌شوند. به همین دلیل وی معتقد است که روان‌درمانگر و مشاور به عنوان ضلع سوم ارتباط باید به دنبال افزایش توان عقل‌ورزی و مدیریت اضطراب و تنش در بافت خانواده باشد (Bowen, 1978, p. 74).

مثلت‌سازی مثبت و مثلث‌سازی منفی

مثلت‌سازی می‌تواند از طرفی یک عامل سازنده و تثبیت‌کننده باشد، و از جهت دیگر یک عامل مخرب و بی‌ثبات‌کننده. مثلث بی‌ثبات‌کننده یا «مثلث‌بندی بد» می‌تواند ارتباطات را قطبی کند و درگیری را تشدید کند. درک تفاوت بین مثلث‌سازی تثبیت‌کننده و مثلث‌سازی بی‌ثبات‌کننده برای اجتناب از موقعیت‌های بی‌ثبات‌کننده مفید است (Skip, 2020). مثلث‌سازی ممکن است آشکار باشد که معمولاً در خانواده‌های پرتعارض دیده می‌شود، و ممکن است پنهان باشد (Carr, 2015).

بوئن و اکثر خانواده درمانگران بعد از او ماهیت مثلث‌سازی را خنثا می‌دانند و عادتاً مثلث‌های خانوادگی را مثبت یا منفی ارزش‌گذاری نمی‌کنند و حتی وجود آن را برای برقراری ثبات در ارتباطات کاملاً طبیعی می‌دانند. از این جهت عمدتاً زمانی که مثلث موجب بروز علائم کج‌کاری در خانواده بشود، مورد توجه درمانگران قرار می‌گیرد؛ به‌عنوان مثال در برخی روش‌های درمانی گاهی خودِ درمانگر برای رفع اختلالات خانوادگی و یا ارتباطات بین‌فردی به‌آسانی با استفاده از مثلث‌سازی مشکلات را مدیریت و جهت‌دهی می‌کند. بوئن در روابط مثلث‌سازی‌شده به چهار حالت اشاره می‌کند (Bowen, 1988, p. 140) که عبارت‌اند از:

الف) رابطه دوتایی پایدار که با اضافه شدن شخص سوم می‌تواند بی‌ثبات شود؛ به‌عنوان مثال، یک ازدواج هماهنگ ممکن است بعد از تولد یک کودک دچار تنش شود و توانایی والدین در برقراری تعادل و سرمایه‌گذاری زمان و انرژی با حضور کودک تضعیف شود؛

ب) رابطه سه‌تایی ناپایدار که با حذف نفر سوم تبدیل به رابطه دوفره شده و بی‌ثبات می‌شود؛ به‌عنوان مثال، ناهماهنگی زناشویی ممکن است پس از ازدواج کودکان و خروج آنها از خانه افزایش یابد؛ زیرا هنگامی که از خانه خارج می‌شوند دیگر به آسانی در دسترس نیستند تا بتوانند با مشکلات والدین مثلث شوند؛

ج) رابطه دوتایی ناپایداری که با افزودن شخص سوم تثبیت می‌شود؛ به‌عنوان مثال، برخلاف حالت اول ممکن است یک زوج ناسازگار پس از تولد فرزند هماهنگ‌تر شوند و والدین تمرکز نگرانی‌های خود را از یکدیگر به فرزند منتقل کنند؛

د) رابطه دوتایی ناپایداری که با حذف شخص سوم تثبیت می‌شود؛ به‌عنوان مثال، اگر دو نفر از شخص ثالثی که به‌طور مداوم در موضوعات روابط خود طرف‌داری می‌کند، اجتناب کنند، می‌توانند درگیری دوفره را کاهش دهند؛ مثل ورود مادر زوجین در رابطه زوجین.

در تعارضات خانوادگی معمولاً طرف ضعیف‌تر برای حفظ منافع و جایگاه خود و یا برای مدیریت کردن قدرت طرف دیگر، با وارد کردن شخص سوم دست به مثلث‌سازی خواهد زد؛ مثلاً با به‌کارگیری فرزند سعی در کنترل همسر می‌کند و یا با ورود مسائل شغلی، مشاور، مطالعه و یا حتی مسائل دینی و اعتقادی سعی می‌کند فشار رابطه را

بر خود کنترل کند (Leslie, et al, 2008).

اضطراب، تمایز یافتگی و مثلث سازی

شیوه‌های مثلث سازی با توجه به «سطح اضطراب» و «درجه تمایز یافتگی» افراد متفاوت است. از نظر بوئن شاه کلید رهایی انسان‌ها از چنگال اختلالات روان شناختی، تسلط عقلانیت بر هیجانات و احساسات است و این جان مایه اولین مفهوم این نظریه او، یعنی «تمایز یافتگی» می باشد. او معتقد است افرادی که از سطح تمایز یافتگی بالایی برخوردارند، به دلیل تسلط بیشتر سیستم عقلانی بر سیستم هیجانی و عاطفی، احساس استقلال بیشتری دارند و کمتر نیاز به «همجوشی هیجانی» (fusion Emotional) پیدا می کنند. این افراد کمتر توسط واکنش عاطفی به محیط و دیگران سوق داده می شوند، و دوره‌های زندگی آنها بیشتر بر اساس اصول و توجه به تفکر اداره می شود. بنابراین سطح تمایز یافتگی در اعضای خانواده در شدت مثلث سازی تعیین کننده است و سطوح پایین تمایز یافتگی در افراد بزرگترین علت تشکیل بالقوه مثلث‌های معیوب ارتباطی است. درواقع مثلث‌ها به‌طور مستمر و با توجه به سطح اضطراب و نوع تعامل در میان افراد شکل می گیرد و زمانی که شرایط و اوضاع نسبتاً آرام شد کمرنگ می شوند، تاجایی که از نظر بالینی تقریباً وجود ندارند. این حرکت به قدری دقیق و عادی بروز می کند که مشاهده آن دشوار است (Papero, 1990, p. 49).

مثلث‌های ارتباطی در دوره‌های اضطرابی نسبت به دوره‌های آرام دارای ویژگی‌های متفاوتی می شوند؛ با افزایش اضطراب (در یک دوره کوتاه یا طولانی) آرامش روابط از بین می رود، معمولاً اضطراب و تنش در یکی از طرف‌های رابطه بیشتر از فرد دیگر احساس می شود. فرد ناراحت و مضطرب ابتدا سعی می کند تعادل ارتباطی را برقرار کند، اما به دلیل سطح بالای اضطراب معمولاً دستیابی به آن بسیار دشوارتر از زمانی خواهد بود که اوضاع آرام تر است؛ زیرا وقتی سطح اضطراب بالا باشد، افراد نسبت به یکدیگر حساس تر شده و واکنش بیشتری نشان می دهند و حفظ هماهنگی دشوارتر می شود. هنگامی که در بازگرداندن تعادل ناموفق ظاهر شدند، فرد مضطرب شروع به برقراری رابطه با خارج از بافت دونفره می کند. شخص خارجی که عموماً از بین افراد مشتاق انتخاب می شود، به سرعت به دعوت پاسخ می دهد و یک مثلث ارتباطی برای کاهش و مدیریت اضطراب شکل می گیرد؛ مثل ورود یا دعوت از مشاور خانواده یا مادر همسران در رابطه زوجین (خوش لهجه، ۱۳۹۷). درواقع این ضلع سوم می تواند هر چیزی باشد؛ گاهی والدین یا فرزندان، بستگان یا دوستان، درمانگر و یا پلیس و مراجع قضایی. مواد مخدر و الکل و حتی اشتغال به کار مداوم و هر آنچه که بتواند سطح اضطراب را در طرفین تقلیل دهد می تواند نامزد ضلع سوم ارتباطی باشد.

اگر سطح نگرانی و اضطراب بیش از ظرفیت مثلث تشکیل شده باشد، اضطراب به مثلث دیگر سپرده می شود و این فرایندی است که بوئن آن را به عنوان «مثلث‌های درهم تنیده» (triangles Intertwined) تعریف کرده است. اگرچه مثلث تمایل دارد به اعضای خانواده‌های هسته‌ای، شامل مثلث‌های درهم تنیده تبدیل شود، اما می تواند

اعضای خانواده و دیگر افراد خارج از سیستم خانواده از قبیل معلمان، درمانگران و سازمان‌های اجتماعی را نیز دربر گیرد و تا آن حد توسعه یابد. مثلث‌های به هم پیوسته می‌توانند اضطراب را در مثلث مرکزی خانواده به میزان قابل توجهی کاهش دهند. نمونه‌ای از این امر اغلب در کلینیک‌های سلامت روان رخ می‌دهد (Bowen & Kerr, 1988, p. 438). و روان‌شناسان با اعضای خانواده مثلث‌سازی می‌کنند. از این جهت هدف درمانگر این است که با افزایش خودآگاهی افراد در پاسخ به فشارهای احساسی جایگاه اعضای خانواده را در مثلث‌های اصلی کنترل کرده و به فرایندهای عقلانی قوام ببخشد و از مشارکت در مثلث‌های احساسی جلوگیری کند. هنگامی که یک مثلث مرکزی در خانواده تغییر می‌کند، سایر مثلث‌های فرعی به‌طور خودکار حتی بدون مشارکت سایر اعضای خانواده درمان یا اصلاح می‌شوند. با این منطق حتی اگر یک نفر در بافت خانواده مشتاق تغییر و اصلاح باشد، کل روابط روبه اصلاح پیش خواهند رفت (خوش‌لهجه، ۱۳۹۷).

وقتی دو کودک که با هم اختلاف نظر دارند یک عضو دیگر خانواده (مثلاً برادر، والدین یا عمه) را وارد اختلاف‌های خویش می‌کنند، تنش بین آنها در صورتی کاهش می‌یابد که نفر سوم از کسی جانب‌داری نکند و آنان را در حل مشکل یاری نماید، ولی اگر هیجان‌زده شود و ناعادلانه رفتار کند، فشار روانی ادامه خواهد یافت. اینکه درمانگر هنگام توجه به الگوهای مثلث‌سازی در خانواده تحت درمانش، با طرفین مثلثی متفاوت و متمایز تشکیل بدهد، خیلی اهمیت دارد و در واقع نقش درمانگر و وظیفه او ایجاد یک مثلث عقلانی در مقابل مثلث‌های احساسی موجود می‌باشد (حسن خواه ۱۴۰۰). بوئن در جلسه درمان با دو رویکرد از روش مثلث‌سازی استفاده نمود:

در روش اول، خود را به‌عنوان درمانگر در موضع شخص سوم که بالقوه مثلث‌سازی شده قرار می‌داد، آنگاه با هدف شکستن «مثلث‌های احساس محور» منشأ اثر واقع می‌شد و با هریک از اعضا در واحد دوتایی ارتباط خود را حفظ کرده و تلاش می‌نمود مدار تصمیمات عقل محور را قوام بخشد. درواقع او عقیده داشت جوهره درمان زناشویی این است که ارتباط خودتان را با زن و شوهر حفظ کنید، اما به آنها اجازه ندهید با شما مثلث‌سازی کنند. در عمل بوئن به هریک از زوجین ملحق می‌شد و اغلب با انتخاب همسری که انگیزه بیشتری بر درمان داشت یا عملکرد بهتری نشان می‌داد، کار را شروع کرده و تلاش می‌کرد سطح تمایز یافتگی افراد را افزایش دهد. وی سؤالات غیرمواجه‌آمیز می‌پرسید، واقعیت‌ها را اصلاح می‌کرد و به احساسات گوش می‌داد. او تلاش می‌کرد سؤالات را برای تحریک ذهن شکل دهد نه برای بیرون کشیدن احساسات. هدف وی پرداختن و گوش دادن به تصور، برداشت و نظر هریک از زوجین بدون طرف‌داری عاطفی از هر کدام از آنها بود. بیرون ماندن از مثلث‌های احساس محور ساده به نظر می‌رسد، اما فقط با گفتن اینکه «من قصد ندارم که از هیچ کدام‌تان طرف‌داری کنم، یا من قصد ندارم با شما دونفر مثلث‌سازی کنم»، میسر واقع نمی‌شود. توانایی درمانگر برای حفظ آرامش هیجانی در مواجهه با احساسات شدید برای اجتناب از طرف‌داری کردن ضروری است.

دومین روش بوئن برای از بین بردن مثلث‌ها، کار کردن با فردی از سیستم خانواده بود که بهترین عملکرد را داشتند. اگر در فردی از خانواده انگیزه لازم برای تغییر در خود و خانواده مشاهده می‌شد، آن شخص را برای مثلث‌زدایی آماده مربیگری می‌کرد. به این ترتیب با کمترین ورود مستقیم از جانب درمانگر اختلالات روابط توسط خود اعضای خانواده مدیریت می‌گردید (Bowen & Kerr, 1988, p. 90).

ارزیابی «مثلث‌سازی» از منظر اندیشه اسلامی

بوئن معتقد است سیستم دونفره از اساس ناپایدار است. آسیب‌پذیری رابطه دوتایی نسبت به اضطراب - بیرونی یا داخلی - بسیار بالا است و کوچک‌ترین شکل ارتباط پایدار در خانواده، رابطه سه‌ضلعی و مثلثی می‌باشد (Bowen & Kerr, 1988, p. 138). با توجه به مطالب بیان‌شده، دو محور در ارزیابی این مفهوم مطرح می‌گردد:

محور اول: بررسی رویکرد اسلام به ساختار و چینش روابط

آیا آموزه‌های اسلامی نگاه دوجویی یا سه‌وجهی در روابط را به رسمیت می‌شناسد؟ و آیا اساس روابط انسانی را بر وجود سه طرف ارتباطی معرفی می‌کند؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت: از گزاره‌های دینی چنین برداشت می‌شود که خداوند متعال کمال همه امور را در انتساب آنها به خود برشمرده است؛ حتی عامل قوام روابط زوجین و خانواده را نیز در اتصاف و اتصال آنها به ذات کمالی خود دانسته است و می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱). قرآن در این آیه، اولاً جعل مؤدت و رحمت در خانه را از جانب خداوند معرفی می‌کند و گویا خداوند را ضلع سوم روابط سالم خانوادگی برمی‌شمارد و از طرفی توصیه به در نظر گرفتن ذات اقدس الهی به‌عنوان عامل رشد و کمال زندگی زناشویی می‌داند، اما پرواضح است این نوع ادله در تأیید اصیل بودن «مثلث‌ها» در تمام روابط انسانی - مدعای نظریه سیستم‌ها - کافی نیست و نمی‌توان آن را دلیل بر رسمیت داشتن سه‌ضلعی بودن همه روابط دانست. از طرفی این آیه توصیه می‌کند که خداوند به‌عنوان ضلع سوم و اصلی روابط زوجین در نظر گرفته شود و گویا توصیه‌ای است بر مثلث‌سازی ارتباطی زوجین با خداوند عالم، اما از منظر اسلامی این امر منحصر به بافت خانواده نمی‌شود، بلکه توصیه دین به برقراری ارتباط عمیق با خداوند سبحان در همه حالات و موقعیت‌ها می‌باشد؛ حتی زمانی که انسان با نفس خود مواجه است.

محور دوم: جست‌وجوی شاهی بر روش درمانی مثلث‌سازی و یا نامثلث‌سازی ارتباطی در گزاره‌های دینی

حال سوال این است که آیا روش درمانی مثلث‌سازی ارتباطی از منظر گزاره‌های دینی مورد قبول است؟ در پاسخ به این مسئله می‌توان یک شاهد برای به رسمیت شمردن «مثلث‌سازی ارتباطی» در رفع اختلالات ارتباطی ارائه کرد و از آن به‌عنوان یک دستورالعمل دینی یاد کرد که اجمالاً با نگاه مثلث‌سازی قابل تفسیر است؛ آنجا که خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ

كَانَ عَلِيْمًا خَيْرًا» (نساء: ۳۵)؛ و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، حکمی از خانواده شوهر، و حکمی از خانواده زن انتخاب کنید. اگر تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند میان آنها وفق بر قرار می‌کند؛ خداوند دانا و آگاه است. درواقع می‌توان گفت این آیه (آیه حکمیت بین زوجین)، برای به کمال رساندن انسان یک روش خانواده‌درمانگری را معرفی می‌نماید که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

در بررسی لغات آیه روشن می‌شود که شقاق: شکافی است که شیء واحد را به دو شق جدای از هم منشق کند. معنای عرفی شقاق در زوجین تحمل نکردن هریک از زن و شوهر نسبت به دیگری است؛ به‌نحوی که تحمل یکدیگر شاق و مشقت‌آور باشد (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ج ۷، ص ۲۳۵)؛ همچنین حکم: داور، قاضی، کسی که میان دو خصم حکم می‌کند و نسبت به آنچه به او واگذار شده سِمَتِ قوامیت دارد، یعنی قیّم است و توفیق: وفق در مقابل اختلاف است؛ به معنی سازگار کردن شخص یا چیزی با دیگری است تا اینکه بین آن دو، سازش و قرب حاصل شود و اختلاف و دوری از میانشان برود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۱۷۵-۱۷۶، ماده و ف ق).

آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم چنین می‌نویسد:

... و این آیه بیان راه‌حل برای شقاق و ناسازگاری دوجانبه زن و شوهر است. در ناسازگاری‌های طرفینی زن و شوهر هر کدام از ادای حقوق همسر خویش خودداری ورزیده و وظایف خود را انجام نمی‌دهد. در این زمان شخصی ثالثی به جز زن و شوهر را می‌طلبند که ولایت داشته باشد تا حق زن را از شوهر و حق شوهر را از زن بگیرد و... اگر اختلاف، ناسازگاری، شقاق و جدایی بین آنها به گونه‌ای باشد که تحمل یکدیگر شاق و مشقت‌آور باشد، برای رفع اختلاف باید کارشناس خانوادگی و حکمی دارای شرایط قضا؛ مانند بلوغ، عقل، عدل و غیر آن از طرف خانواده شوهر و فردی دیگر با این شرایط از خانواده زن انتخاب کرده و برانگیزانند. البته محور بحث آیه، صورت خوف شقاق است، اما در صورت قطع به تخلف هر دو جانبه و اصلاح‌ناپذیری، مجالی برای تعیین دو حکم نیست؛ زیرا در این فرض، چنین بعشی لغو خواهد بود و از همین رو در این آیه عنوان «خوف شقاق» مطرح شده است نه علم به آن؛ همچنین ظاهر آیه شریفه بعث حکم است نه توکیل آنها؛ چون اگر کارشناسی آن دو حکم به‌نحو توکیل باشد رضایت موکل‌ها شرط است و آن دو وکیل نمی‌توانند تصمیم مشترکی برای مجموع بگیرند؛ چون قدرت وکیل به‌اندازه خود موکل است و هریک از زن و شوهر تنها درباره خود حق تصمیم‌گیری دارد نه دیگری. بر این اساس که داور و کارشناسی آن دو نفر از سنخ حکمیت است نه وکالت. حل اختلاف‌های عاطفی و درونی خانوادگی جز با گرایش قلبی و الفت و وحدت دل ممکن نیست. این تألیف دل که اساس خانواده است تنها به دست خداوند است و از هیچ مبدأ دیگری ساخته نیست؛ از این رو درباره حکمین می‌فرماید: «ان يُرَبِّدَا إِصْلَاحاً يُوَفِّقُ اللَّهُ بَيْنَهُمَا». بر پایه اطلاق آیه، هر دو حکم می‌توانند زن یا مرد یا یکی زن و دیگری مرد باشند؛ همچنین مجتهد بودن آن دو لزومی ندارد؛ زیرا در امور خانوادگی نظر کارشناسانه لازم است نه اجتهاد. مشکلات خانوادگی و شقاق میان زن و شوهر جزو موضوعات است نه احکام، و امرالناس (حقوق مردمی) است نه امرالله؛ بدین جهت در اینجا شورا رواست و مشکل با تبادل نظر دو کارشناس خیرخواه حل می‌شود. بر اساس تناسب حکم و موضوع، قید (من أهله) و (من أهلها) غالبی است نه احترازی؛ یعنی ذکر این قید از آن‌روست که دو حکمی که هم خیر و هم مورد توافق طرفین باشند غالباً از خانواده زوجین هستند، نه اینکه لازم است حکم‌ها حتماً از خانواده زوجین باشند. بر این اساس، اولاً اگر زوجین اصلاً بستگانی نداشته باشند یا در خانواده‌های آنها فرد واجد شرایط حکمیت نبود، ظاهراً اصل تحکیم در حال خوف شقاق ساقط نشده و نوبت به تحکیم کارشناس بیگانه می‌رسد؛

ثانیاً حتی با بودن دو فرد صالح از خانواده‌های زوجین می‌توان از افراد دیگر اصلح مورد رضایت طرفین در این اصلاح کمک گرفت... (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ج ۱۸، ص ۵۹۰-۵۹۹).

علامه طباطبائی نیز در تفسیر المیزان می‌نویسد:

اگر فقط یک حکم باشد این خطر را دارد که او جانب یک‌طرف را بگیرد و حکم جانرا نه کند، و معنای اینکه فرمود: «إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا» این است که اگر واقعاً هر دو طرف نزاع، بنای اصلاح داشته باشند، و عناد و لجبازی در کارشان نباشد، خدای تعالی به‌وسیلهٔ این دو داور بین آن دو توافق و اصلاح بر قرار می‌کند؛ چون وقتی دو طرف زمام اختیار خود را به داورانی خیرخواه بدهند (حکمی که خودشان پسندیده‌اند) قهراً توافق حاصل می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۴۷).

در ذیل این آیه شریفه چندین روایت نیز نقل شده که اکثراً ناظر به حدود اختیارات حکمین هستند، اما یکی از روایات که در تفسیر جامع‌البیان بیان شده است، روش درمانگری حضرت علی علیه السلام را در حل تعارضات خانوادگی توضیح می‌دهد. در این تفسیر چنین آمده است:

حَدَّثَنَا إِبْنُ وَكِيعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ كَعْبٍ الْقُرْظِيِّ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَبْعَثُ الْحَكَمَيْنِ: حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا، فَيَقُولُ الْحَكَمُ مِنْ أَهْلِهَا: يَا فُلَانُ مَا تَنْقُمُ مِنْ زَوْجِكَ؟ فَيَقُولُ: أَنْقُمُ مِنْهَا كَذَا وَكَذَا. قَالَ: فَيَقُولُ: أَفَرَأَيْتَ إِنْ نَزَعْتَ عَمَّا تَكْرَهُ إِلَى مَا تُحِبُّ، هَلْ أَنْتَ مُتَّقِي اللَّهِ فِيهَا وَمَعَاشِرَهَا بِالَّذِي يَحِقُّ عَلَيْكَ فِي نَفَقَتِهَا وَكِسْوَتِهَا وَ...؟ فَإِذَا قَالَ نَعَمْ، قَالَ الْحَكَمُ مِنْ أَهْلِهِ: يَا فُلَانَةُ مَا تَنْقُمِينَ مِنْ زَوْجِكَ؟ فَتَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ، فَإِنْ قَالَتْ: نَعَمْ، جَمَعَ بَيْنَهُمَا؛ وَقَالَ عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: الْحَكَمَانِ بَيْنَهُمَا يَجْمَعُ اللَّهُ وَبَيْنَهُمَا يَفْرُقُ (طبري، ۱۴۱۲ ق، ج ۵، ص ۴۷)؛

علی علیه السلام همواره در مورد اختلافات خانوادگی دآوری را از خانوادهٔ مرد و دآوری را از خانوادهٔ زن برمی‌گزید. داور طرف مرد به وی می‌گفت: ای فلانی از چه چیز شکوه داری؟ و او درد دل خویش را برمی‌شمرد. داور می‌گفت: اگر به خواسته‌هایت برسی، آیا از خدا پروا خواهی داشت و به شیوهٔ شایسته در اتفاق و پوشاک و... با همسر رفتار خواهی کرد؟ وقتی از او اقرار گرفت، داور زن نیز به وی می‌گفت: ای فلانه چه گله‌ای از شوهرت داری؟ او خواسته‌هایش را برمی‌شمرد و همچون حکم دیگر اقرار می‌گرفت. اگر پذیرفتند سپس بینشان جمع می‌کردند.

استاد قرائتی نیز در تفسیر نور می‌نویسد:

این آیه برای رفع اختلاف میان زن و شوهر و پیشگیری از وقوع طلاق، یک دادگاه خانوادگی را با این امتیازات مطرح می‌کند: داوران از هر دو فامیل باشند تا تعهد و خیرخواهی بیشتری داشته باشند، این دادگاه نیاز به بودجه ندارد، رسیدگی به اختلاف در این دادگاه سریع، بدون تراکم پرونده و مشکلات کار اداری است، اسرار دادگاه به بیگانگان نمی‌رسد و مسائل اختلافی در میان خودشان می‌ماند؛ چون داوران از خود فامیل و مورد اعتماد طرفین می‌باشند.

ایشان چندین پیام را در مورد محتوای آیه بر می‌شمارند که عبارت‌اند از:

۱. علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد. نگرانی از شقاق و جدایی کافی است تا اقدام به گزینش داوران شود: «إِنْ خِفْتُمْ».
۲. زن و شوهر یک روح در دو پیکرند. کلمه «شِقَاقٌ» در جایی به‌کار می‌رود که یک حقیقت به دو قسمت تقسیم شود.
۳. اقدام برای اصلاح میان زن و شوهر باید سریع باشد. حرف «فاء» در جمله «فَابْعَثُوا» برای تسریع است.
۴. جامعه در برابر اختلافات خانواده‌ها، مسئولیت دارد: «وَأِنْ خِفْتُمْ» «فَابْعَثُوا».
۵. بستگان در رفع اختلاف خانواده‌ها، مسئولیت بیشتری دارند: «مِنْ أَهْلِهِ».
۶. مشکلات مردم را با کمک خود مردم حل کنیم: «فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ».

۷. اسلام به مسائل شورایی و کدخدامنشی توجه دارد: «حُكْمًا مِنْ أَهْلِهِ»، «أَهْلُهَا».

۸. در انتخاب داور باید به آگاهی، رازداری و اصلاح‌طلبی آنان توجه کرد: «إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا».

۹. هر جا حسن نیت و بنای اصلاح باشد، توفیق الهی هم سرازیر می‌شود: «إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا».

۱۰. باید حسن نیت داشت؛ چرا که خداوند به انگیزه‌های همه آگاه است: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا» (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۸۷).

همچنین شهید مطهری نسبت به گسترش طلاق در جامعه ایران ابراز نگرانی کرده و مردم را به اصل قرآنی حکمیت خانوادگی و مشاوران خانواده توجه داده است و احیای آن را از عوامل کند شدن روند طلاق و جدایی‌ها برشمرده است. ایشان به نقل از تفسیر المنار در اهمیت حکمیت بیان می‌دارد:

آنچه عملاً در میان مسلمانان وجود ندارد، این کار و استفاده از مزایای بی‌پایان آن (حکمیت خانوادگی) است. طلاق‌ها بسیار صورت می‌گیرد و اختلاف‌ها و شقاق‌ها در خانه‌ها راه می‌یابد، بدون آنکه از اصل حکمیت (که نص قرآن کریم است) کوچک‌ترین استفاده‌ای بشود. تمام نیروی علمای مسلمین صرف بحث و جدل در اطراف وجوب و استحباب این کار شده است. اگر بناست عمل نشود و مردم از مزایای آن استفاده نکنند، چه فرقی می‌کند که واجب باشد یا مستحب (رجیمی، ۱۳۸۴).

مثلت ارتباطی یا مربع حکمیت؟

مراد از کلمه مثلث در نظریه بوئن به معنی به‌کارگیری فرد سوم نیست، بلکه مراد جایگاه سوم می‌باشد و در این جایگاه می‌تواند هر چیزی که در مدیریت اضطراب مؤثر است، قرار بگیرد. در جلسات درمانی جایگاه حکمیت همان ضلع سوم است. این جلسه می‌تواند یک مثلث‌سازی چندگانه با ضریب عقلانیت مضاعف را ایجاد کند و مثلث‌های ناکارآمد درون خانواده را ترمیم نماید. بوئن می‌نویسد: «مثلث‌های به‌هم‌پیوسته می‌توانند اضطراب را در مثلث مرکزی خانواده به میزان قابل‌توجهی کاهش دهند. نمونه‌ای از این امر اغلب در کلینیک‌های سلامت روان رخ می‌دهد؛ در جایی که روان‌شناسان با اعضای خانواده مثلث‌سازی می‌کنند» (Bowen & Kerr, 1988, p. 238).

مقایسه جلسات حکمیت با جلسات خانواده‌درمانی

گاهی گزاره‌های دین اسلام به‌طور مستقیم در مقام تبیین و تحلیل یک حقیقت هستند و گاهی فارغ از علل به‌وجودآورنده آن در مقام رفع و حل مشکل می‌باشند؛ به‌عنوان مثال در این آیه فارغ از چرایی ایجاد مشکل با ایجاد یک مثلث ارتباطی، روشی را برای حل مشکل بیان فرموده است. ساختاری که گزاره‌های دینی برای رفع این‌گونه اختلافات خانوادگی معرفی نموده و به جلسه حکمیت خانوادگی معروف است، از جهات مختلف مساوق با جلسات خانواده‌درمانی امروزی می‌باشد و چه بسا از نقاط قوت بیشتری برخوردار باشد.

به‌کارگیری داورانی از خود خانواده می‌تواند نقاط کور ارتباطی و اخلاقی زوجین را بهتر نشان دهد و دید واضح‌تری از واقعیت را در اختیار آنها قرار دهد. بوئن در این مورد نیز می‌گوید:

ارتباط بیشتر با خانواده افراد و کسب اطلاعات بیشتر در مورد آنها بسیار مهم است. تقریباً همه افراد نسبت به برخی

از حقایق مهم در مورد خانواده خود بی‌خبر هستند و هیچ راهی برای آموختن این حقایق وجود ندارد به غیر از خود خانواده و یا دیگران که با خانواده ارتباط نزدیک دارند. افزایش اطلاعات واقعی درباره خانواده، جزء مهمی از خودسازی است (Bowen & Kerr, 1988, p. 447).

همچنین وجود دو داور و مشاور در مقایسه با یک مشاور می‌تواند از جهات مختلف مثمر واقع شود. بوئن نیز در برگزاری جلسات مشاوره چنین پیشنهاد می‌دهد: «اگر زن و شوهر هر دو برای درمان انگیزه دارند، جلسات را می‌توان برای هر دو تشکیل داد و هریک از همسران به‌طور جداگانه با درمانگرانی مجزا یا درمانگری یکسان ارتباط برقرار می‌کنند» (Bowen & Kerr, 1988).

همان‌گونه که در گزارش منقول از جلسات خانواده‌درمانی حضرت علی علیه السلام بیان شد، قسمت مهمی از روند درمان ممکن است به‌صورت مجزا و تک‌تک صورت پذیرد. بوئن در تحلیل این فرایند می‌نویسد:

در ابتدای درمان هر دو همسر معمولاً با هم شرکت می‌کنند، اما پس از چند جلسه ممکن است اکثر جلسات فردی باشد. شرکت مشترک افراد در کنار هم مانع تمرکز آنها بر روی خویشتن می‌شود. البته جلسات ترکیبی یک روش مفید و مؤثر برای درمان است. باین‌حال، گاهی دیدن افراد در کنار یکدیگر مانع پیشرفت یک یا هر دو آنها می‌شود. هنگامی که با هم دیده می‌شوند، گاهی برای افراد دشوار است که از مفهوم «من» در تلاش برای تغییر هشتم استقبال کند و همواره بر رویکرد «ما» در تلاش برای تغییر هستیم پافشاری می‌کنند. هنگامی که این تلاشی «ما» است، اغلب هریک درگیر این است که آیا دیگری وظیفه خود را تماماً انجام می‌دهد؟ (Kerr, 1988, p. 128).

تغییر رویکرد و نگاه به خود و اراده اصلاح خویش و نگاه عقل‌ورزانه به خود و همچنین قبول رأی و نظر درمانگران و ناصحان نیز از نکات مهمی است که در منابع اسلامی بسیار به آن پرداخته شده؛ به‌عنوان نمونه امام جواد علیه السلام در حدیث شریف می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ، وَوَعَظٍ مِنْ نَفْسِهِ، وَقَبُولٍ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ» (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷۸، ص ۳۵۸، ح ۱)؛ مؤمن به سه چیز نیازمند است: توفیقی از جانب پروردگار، پنددهنده‌ای از درون خویش و پذیرشی از نصیحت‌کنندگان.

جایگاه درمانگر در اندیشه اسلامی

در قسمتی از آیه حکمت خداوند متعال می‌فرماید: «إِنْ يَرِیدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا»، که دربردارنده دو نکته اساسی می‌باشد: اولاً جایگاه نیت و قصد اصلاح در مسیر رفع مشکلات خانوادگی؛ ثانیاً توصیه به ایجاد نیت اصلاح. وقتی اشاره به جایگاه نیت می‌شود، ناگزیر توصیه به اصلاح نیز مد نظر است.

فارغ از اینکه مخاطب این بخش از آیه داورها هستند یا خود زوجین یا ترکیب همه این افراد، بوئن در اهمیت این معنا در بخشی از کتاب خود می‌گوید: «سی سال تجربه بالینی و درمان مبتنی بر نظریه سیستم‌های خانواده قویاً نشان می‌دهد، مؤثرترین نتایج در روان‌درمانی و افزایش سطح تمایز یافتگی در صورتی حاصل می‌شود که افراد انگیزه کافی داشته باشند تا ارتباط عاطفی خود را اصلاح نماید» (Kerr, 1981, p. 299).

عموماً در روایاتی که ناظر به خصوصیات مشاور و مصلح هستند بر عقلانیت و مشتقات عقل‌ورزی برای مصلحان

تأکید شده است، و این می‌تواند در راستای افزایش توان عقل‌ورزی در مثلث‌ها باشد؛ برای نمونه در حدیثی شریف از امام صادق (ع) به عقلانیت و تقوای مشاوران توجه داده شده: «اِسْتَشِرِ الْعَاقِلَ مِنَ الرَّجَالِ الْوَرَعَ فَإِنَّهُ لَا يَأْمُرُ إِلَّا بِخَيْرٍ وَيَأْكُرُ بِالْخَيْرِ فَإِنَّ خِلَافَ الْوَرَعِ الْعَاقِلِ مَفْسَدَةٌ فِي الدِّينِ وَالْدُنْيَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۴۴۳)؛ با افراد عاقلی که پرهیزکارند مشورت کن، به‌درستی که جز به خیر و صلاح امر نمی‌کنند و پرهیز کن از مخالفت با افراد با تقوای عاقل؛ زیرا موجب ضرر و خسران در دین و دنیای تو می‌گردد.

یکی از مشکلات بارز رویکرد درمانی بوئن و همه روش‌های خانواده‌درمانی اولیه، زمان‌گیر و هزینه‌بر بودن آنها می‌باشد، اما فرایند درمانی مورد توصیه دین اسلام یک ساختار خانوادگی کم‌هزینه و پربازده می‌باشد که اگر با سایر مفاهیم مورد توصیه دین همچون ضرورت صلح‌رحم و جایگاه اصلاح ذات‌البین - که در سبک زندگی اسلامی به شدت مورد تأکید هستند، ضریب داده شود و استمرار یابد - می‌تواند بسیار کارآمدتر از جلسات خانواده‌درمانی مرسوم ظاهر باشد؛ هرچند رجوع به متخصصان، مشاوران و روان‌درمانگران و کسب تکلیف در فرایند درمانی و اطلاع از وضعیت زوجین برای حکمین، امری مهم و اجتناب‌ناپذیر است.

در این قسمت عبارت پایانی آیه حکمیت زوجین یعنی «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا» بررسی خواهد شد. در انتهای این آیه دو صفت از اوصاف خداوند «علیم و خبیر» نام برده شده است. برخی متفکران اسلامی معتقد هستند: «اسمای خداوند که در پایان آیات آمده است با محتوای آیات هماهنگ بوده و به‌منزلهٔ برهان و دلیل و راهنما بر محتوای آن آیات است» (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ج ۱۲، ص ۱۸۱). هنگامی که این دو صف که اجمالاً هم معنا هستند در کنار هم به کار می‌روند نشان می‌دهد هریک به معنا و جنبه منحصر به فردی اشاره دارد؛ گرچه زمانی که به‌تنهایی به کار می‌روند، می‌توانند معنای دیگری را نیز برسانند. خبیر از مادهٔ «خبیر» به معنای اطلاع داشتن از جزئیات امور است، و علیم نیز از مادهٔ «علم»، به معنای درک حقیقت مسائل است. خبیر خصوصی‌تر از علیم است؛ چون علیم هم در جزئیات و هم در کلیات به کار می‌رود، ولی خبیر تنها در جزئیات به کار می‌رود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۵۳۷). معمولاً در تفاسیر متعلق خبیر و علیم را از عبارات پیش و پس آنها و مضمون و شأن نزول آیات، مشخص می‌نمایند. از بیان صفات علیم و خبیر می‌توان این‌گونه برداشت نمود که وجود دو خصوصیت علیم و خبیر بودن در فرایند مشاوره و حل مشکل ضروری است؛ یعنی گویا از یک‌طرف داشتن علم و آگاهی کلی و از طرف دیگر آگاهی به جزئیات، شرط لازم برای حل مشکلات و تعارضات خانوادگی است. همان‌طور که برای دو حکم و مشاوره‌دهندگان، داشتن دانش و مهارت کافی در قلمرو درمانگری و مشاوره ضروری است تا بتواند در چنین درمان‌گری‌هایی موفقیت نسبی را به دست آورند. به عبارتی مشاوره موفق خواهد بود که از طرفی به کلیات مشاوره و درمان اختلافات علم داشته باشد و هم بر جزئیات مسائل دو طرف دعوا اشراف کامل داشته باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

سبک زندگی انسان امروزی آکنده از انواع اضطراب است و ره‌آورد این سبک زندگی، فرسایش جسمی و روانی اوست. به همین دلیل امروزه بیش از هر زمانی دیگر وجود مددکارانی چیره‌دست برای پیشگیری و درمان اختلالات روانی احساس می‌شود، اما همان اندازه که وجود انسان‌های درمانگر ضرورت دارد، وجود تئوری‌های درمانی دقیق، واقع‌بینانه و بومی که برای درک و رفع مشکلات روانی کارآمد باشند نیز ضروری است.

نظریه «سیستم‌های خانواده» بوئن یکی از موفق‌ترین و دقیق‌ترین الگوهای خانواده‌درمانی است و مفاهیم هشت‌گانه این نظریه مخصوصاً «مثلث‌سازی» - که از پرکاربردترین مضامین ابداعی وی می‌باشد - این نظریه و مفاهیم آن را به الگویی برای اکثر روش‌های درمانی بعد از خود مبدل نموده است. ره‌آورد این نوشتار ارزیابی و تحلیل «مثلث‌سازی در نظریه سیستم‌های خانواده و نقد و بررسی آن از منظر اندیشه اسلامی با توجه به مفاد آیه حکمیت» بود.

طبق نظریه بوئن و جمعی از روان‌شناسان دیگر (ستیر، مینوچین، جی هیلی)، اساس روابط انسانی متشکل از سه طرف ارتباطی می‌باشد و آسیب‌پذیری رابطه دوتایی در برابر اضطراب - بیرونی یا داخلی - بسیار زیاد خواهد بود؛ بنابراین کوچک‌ترین شکل ارتباط پایدار متشکل از سه ضلع ارتباطی است. از این جهت روشی درمانی را توصیه می‌کند که در آن روان‌درمانگران در جایگاه ضلع سوم ارتباطی برای رفع اختلالات خانوادگی یک مثلث ارتباطی را ایجاد می‌کنند که از راه افزایش سطح تمایز یافتگی (به معنی افزایش توان عقل‌ورزی در مقابل رفتارهای احساسی و هیجانی) به مدیریت اضطراب‌های موجود در روابط افراد می‌پردازند. این روش درمانی الگوی فراگیر در بسیاری از جلسات زوج درمانی و خانواده‌درمانی امروزی می‌باشد.

با توجه به مطالب بیان‌شده از منظر اندیشه اسلامی و با توجه به مفاد آیه ۳۵ سوره مبارکه نساء (آیه حکمیت زوجین)، می‌توان شاهی در رسمیت داشتن روش درمانی «مثلث‌سازی ارتباطی» برای رفع اختلالات خانوادگی در گزاره‌های دینی به‌عنوان یک دستورالعمل دینی و با نگاه مثلث‌سازی معرفی نمود. خداوند حکیم در این آیه، آنگاه که تحمل رابطه برای زوجین مشقت‌بار می‌گردد، دستور می‌دهد دو حکم از خانواده زوجین انتخاب گردد تا با علم و خبرویت و با نیت اصلاح، با ایجاد مثلث‌های چندگانه ارتباطی، اختلاف زناشویی را رفع و رجوع نمایند؛ بنابراین از مفاد این آیه می‌توان نتیجه گرفت، ایجاد مثلث ارتباطی با اشخاص خیرخواه دانا که عموماً از خانواده می‌باشند با عنوان جایگاه درمانگران در رفع اختلافات زناشویی مورد پذیرش و توصیه دینی است. بنابراین می‌توان با کمک گنجینه معارف اسلامی، به ارائه تکنیک‌ها و آموزش‌های دقیق جهت ارتقای کارآمدی افراد در خانه و خانواده و زندگی اجتماعی اقدام نمود.

منابع

قرآن کریم.

- تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۷۰). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دار الکتاب الاسلامی.
- پسندیده، عباس و دیگران (۱۳۹۷). الگوی نظری مداخله «انعطاف - نفوذناپذیری» در خانواده‌درمانگری سیستمی معنوی برای مدیریت مرزهای خانواده بر اساس حدیث «العزیزه». علوم حدیث، ۲۳، ۹۸۸۷.
- جوادى آملی، عبدالله (۱۴۰۱). *تسليم: تفسير قرآن کریم*. قم: اسراء.
- حسن‌خواه، محمدحسن (۱۴۰۰). مفاهیم اساسی در مدل خانواده‌درمانی موری بوئن و نقد و بررسی آن از منظر اندیشه اسلامی. پایان‌نامه سطح سه حوزه علمیه قم.
- خاکپور، ایمان، محمدنظری، علی و زهراکار، کیانوش (۱۴۰۱). نقش مثلث‌سازی با فرزند و اطرافیان در سازگاری زناشویی. پنجمین همایش ملی فناوری‌های نوین در تعلیم‌وتربیت، روان‌شناسی و مشاوره ایران.
- خوش‌لهجه، انیس (۱۳۹۷). *نظریه خانواده‌درمانی بوئن*. تهران: بعثت.
- رحیمی، عباسعلی (۱۳۸۴). *مجموعه قوانین و مقررات خانواده*. تهران: معاونت پژوهش تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۷۹). *مقایسه نظریه خانواده‌درمانی مینوچین با دیدگاه اسلام در باب خانواده*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی. پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
- فیلیپ، جی. گهرن و دیگران (۱۳۹۰). *مثلث و مثلث‌سازی در خانواده (القبای درمان)*. ترجمه فرشاد بهادری. تهران: دانژه.
- قرائی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۸). *بحار الأنوار*. بیروت: دار احیاء التراث.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نیکولز، مایکل پی. و شوارتز، ریچارد (۲۰۰۴). *خانواده‌درمانی مفاهیم و روش‌ها*. ترجمه دهقانی و همکاران. تهران: دانژه.
- هی لی، جی. (۱۳۸۳). *روان‌درمانی خانواده*. ترجمه باقر ثنایی. تهران: امیر کبیر.
- Bowen Murra; Kerr, M. E. (1988). *Family Evaluation*. New York: W.W. Norton & Company.
- Bowen Murra (1978). *Family Therapy in Clinical Practice*. New York: Jason Aronson.
- Carr, Alan (2015). *The Handbook of Child and Adolescent Clinical Psychology: A Contextual Approach*. Routledge. ISBN. 9781317591504.
- Daniel V. Papero (1990). *Bowen family systems theory*, Boston ; Allyn and Bacon.
- Flaskas, C. (2012). *The space of reflection: thirdness and triadic relationships in family therapy*. *Journal of Family Therapy*, 34 (2), 138-156.
- Skip, Johnson, R. (2020). *Escaping Conflict and the Karpman Drama Triangle*. BPDFamily.com. BPDFamily. Retrieved 4 January 2021.
- Karpman, S. (2014). *A game free life: The definitive book on the Drama Triangle and the Compassion Triangle*. Drama Triangle Publications.
- Kerr, M. E. (1981). *Family system theory and therapy*. içinde: A. S. Gurman, D. P. Kniskern (Eds.). *Handbook of Family Therapy* (ss. 226-264). New York: Brunner/Mazel.
- Leslie, L. M., King, E. B., Bradley, J. C. & Hebl, M. R. (2008). *Triangulation across methodologies: All signs point to persistent stereotyping and discrimination in organizations*. *Industrial and Organizational Psychology*, 4(1), 399-404.

- Minuchin, Salvador (1974). *Therapeutic implications of a structural approach*, in Minuchin, Salvador (ed.), *Families and family therapy*, Harvard University Press.
- Satir, V. (1983). *Blended family with a troubled boy*. Kansas City, MO: Golden Triad Films.